



Woman in Development and Politics

Design and Explanation of a Policy Framework for the NEET Phenomenon among Young Women: A Grounded Theory Approach

Mostafa Mohseni kiasari¹ | Elham Khosravani²

1. Assistant Professor of Science and Technology Policy, Department of Industrial Management, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: mo.mohseni@umz.ac.ir

2. Corresponding Author, PhD Student in Science and Technology Policy, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: e.khosravani@umail.umz.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Employment,

Education,

Skills Development,

NEET,

Grounded Theory.

ABSTRACT

The NEET has become a significant challenge for young women, affecting their social and economic participation. The objective of this investigation was to establish and elucidate a policy framework for the NEET phenomenon among young women through the use of a grounded theory approach. A qualitative research design was implemented in accordance with Strauss and Corbin's grounded theory. The data were gathered through 29 semi-structured interviews with experts and managers in the disciplines of education, skills development, and employment. The results indicated that the educational, structural, gender-related, and policy factors that influence the NEET status of young women are interrelated. The mismatch between education and labor market demands, inadequate skills-development policies, gender-based barriers, insufficient social support networks, and limited learning opportunities were among the key factors. The study identified policy strategies that include enhancing coordination among educational and employment institutions, promoting flexible learning and employment opportunities, strengthening women's professional networks, and improving school-to-work transitions. The results indicate that a policy approach that is gender-sensitive and integrated is necessary to reduce the number of young people who are not in school. This approach should strengthen the connections between education, skill development, and employment. Improved employability, social participation, and empowerment of women are the objectives of the proposed framework, which serves as a foundation for evidence-based policy reform.

Cite this article: Author, Mohseni kiasari, M., Khosravani, E. (2026). Design and Explanation of a Policy Framework for the NEET Phenomenon among Young Women: A Grounded Theory Approach. *Women in Development and Politics*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/0000000000000000000000>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

طراحی و تبیین چارچوب سیاستی پدیده NEET در زنان جوان: رویکردی مبتنی بر نظریه داده بنیاد

مصطفی محسنی کیاسری¹ | الهام خسروانی²

1. استادیار سیاست‌گذاری علم و فناوری، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: Mo.mohseni@umz.ac.ir
2. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: E.khosravani@umail.umz.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار: کلیدواژه‌ها: آموزش، اشتغال، مهارت‌آموزی، NEET، نظریه داده بنیاد.	وضعیت «نه در اشتغال، نه در آموزش و نه در مهارت‌آموزی» در میان زنان جوان، به یکی از چالش‌های اساسی کشورها به‌ویژه در جوامع در حال توسعه تبدیل شده است که پیامدهایی فراتر از بیکاری فردی و بازتولید چرخه طرد اجتماعی و اقتصادی را در پی دارد. پژوهش حاضر برای نخستین بار، پدیده NEET را در میان زنان به مثابه برآیندی از ناهماهنگی میان لایه‌های سیاست‌گذاری آموزشی، نظام‌های مهارتی و الزامات بازار کار تحلیل می‌کند. پژوهش حاضر با هدف طراحی و تبیین چارچوبی سیاستی برای پدیده NEET در زنان جوان با رویکرد کیفی و به روش نظریه داده بنیاد انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان جمع‌آوری شد. مصاحبه‌شوندگان به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند و پس از بیست و نهمین مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد پدیده NEET در زنان جوان تحت تأثیر عواملی مانند ناهماهنگی آموزش با بازار کار، ضعف سیاست‌های مهارت‌آموزی، نبود هدایت تحصیلی و شغلی مؤثر، محدودیت‌های جنسیت‌محور در نظام آموزشی و اشتغال، ضعف توسعه مهارت‌های غیرشناختی، نارسایی سیاست‌های آموزشی در جذب زنان و محدودیت فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر قرار دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مواجهه مؤثر با پدیده نیت در زنان مستلزم عبور از سیاست‌های تک‌بعدی و حرکت به سوی رویکردی سیستمی است. مدل ارائه شده می‌تواند به عنوان یک چارچوب تحلیلی و سیاستی، مبنایی برای تدوین سیاست‌هایی هدفمندتر در حوزه آموزش، اشتغال و مهارت‌آموزی NEET قرار گیرد و به سیاست‌گذاران و نهادهای اجرایی در جهت کاهش پیامدهای نیت و تقویت مسیرهای توانمندسازی زنان یاری رساند.

استناد: محسنی کیاسری، مصطفی؛ خسروانی، الهام. (1405). طراحی و تبیین چارچوب سیاستی پدیده NEET در زنان جوان: رویکردی مبتنی بر نظریه داده بنیاد. زن در توسعه و سیاست، 2 (4)، 1-20.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

1. مقدمه

پدیده NEET¹ به معنای «نه در آموزش، نه در اشتغال و نه در مهارت‌آموزی» معمولاً شامل افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله است (در برخی کشورها تا ۲۹ یا حتی ۳۴ سال نیز در نظر گرفته می‌شود) که در هیچ‌یک از حوزه‌های آموزش رسمی، اشتغال یا آموزش‌های مهارتی مشارکت ندارند. این گروه ناهمگون است و افرادی را دربرمی‌گیرد که ممکن است موقتاً در دوره‌های انتقالی باشند، به‌طور مزمین از فرصت‌ها کنار گذاشته شده باشند یا بنا به انتخاب خود غیرفعال باقی مانده باشند. (Özdemir et al., 2023: 412). اهمیت این پدیده به حدی است که در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته و به یکی از شاخص‌های کلیدی ارزیابی وضعیت جوانان تبدیل شده است.

در همین راستا، دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد در حوزه توسعه پایدار، دو هدف اساسی را به‌طور مستقیم به وضعیت جوانان اختصاص داده است: نخست، تضمین دسترسی کامل و مؤثر تمامی زنان و مردان، به‌ویژه جوانان، به اشتغال مولد و کار شایسته؛ و دوم، کاهش جمعیت افرادی که نه شاغل هستند و نه در حال تحصیل یا مهارت‌آموزی قرار دارند. (Mirfallah Nasiri et al., 2019: 156). این اهداف نشان می‌دهد کاهش نرخ NEET نه تنها یک مسئله اجتماعی، بلکه یکی از پیش‌شرط‌های تحقق توسعه پایدار و بهره‌گیری بهینه از سرمایه انسانی در جوامع مختلف محسوب می‌شود.

نرخ NEET بسته به کشور، جنسیت، منطقه و وضعیت اجتماعی-اقتصادی متفاوت است. (Özdemir et al., 2023: 411) در کشورهایی مانند ژاپن، سنگاپور و آلمان میزان NEET تک‌رقمی است و در کشورهایی مانند انگلیس، مالزی، فرانسه و کانادا، آمریکا بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بوده است. در کشورهایی مانند فیلیپین، اندونزی، ترکیه، مصر و بنگلادش نیز بین ۲۰ تا ۳۰ درصد در نوسان است.

میزان NEET در ایران بالای ۳۶ درصد بوده است (Mirfallah Nasiri et al., 2019: 156). از جمعیت نزدیک به ۱۶/۷ میلیون نفری جوانان کشور ایران در سال ۱۳۹۹، بیش از ۶/۳ میلیون نفر (۳۸ درصد جمعیت جوان)، غیرفعال، بیکار و غیرمحصّل هستند. به‌طور کلی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹، نزدیک به ۳۹ درصد جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال کشور در فرایند تولید اقتصاد قرار نگرفته‌اند. از آنجا که نرخ NEET در جهان به‌طور متوسط ۲۲/۱ درصد است، بالابودن نرخ مذکور در ایران نشانگر عدم استفاده از حجم قابل‌توجهی از نیروی کار بالقوه کشور و تأمل‌برانگیز است (Seyed Noorani et al., 2024: 86). این در حالی است که میانگین جهانی NEET حدود ۲۲/۱ درصد گزارش شده و این شکاف بیانگر فاصله قابل‌توجه ایران با وضعیت مطلوب جهانی است. افزون بر این، مطالعات نشان می‌دهد نرخ NEET در میان زنان جوان به‌مراتب بالاتر از مردان است و زنان بیش از سایر گروه‌ها در معرض حذف هم‌زمان از آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال قرار دارند (Hezarjaribi & Sobhani, 2018: 34). تداوم این وضعیت نه تنها به اتلاف سرمایه انسانی و کاهش مشارکت اقتصادی زنان منجر می‌شود، بلکه پیامدهایی مانند افزایش وابستگی اقتصادی، تشدید نابرابری جنسیتی، کاهش عاملیت اجتماعی زنان و محدودشدن ظرفیت توسعه انسانی و اجتماعی کشور را نیز به دنبال دارد (Zahed et al., 2020: 645).

نرخ NEET در میان زنان در بسیاری از کشورها بیشتر از مردان است (Elitaş, 2025: 539; Ripamonti, 2025: 337). در ایران نرخ NEET در زنان ۲/۵ برابر مردان است (Hezarjaribi & Sobhani, 2018: 156). زنان دارای وضعیت NEET اغلب با مجموعه‌ای از نابرابری‌های چندلایه روبه‌رو هستند؛ از نرخ‌های بالاتر مشکلات سلامت روان گرفته تا انزوای اجتماعی و انگ‌زدگی که در مقایسه با مردان NEET شدت بیشتری دارد. زنان مهاجر، اقلیت‌های قومی و زنانی که مسئولیت مراقبت از دیگران را برعهده دارند، به‌ویژه آسیب‌پذیرند و با موانع مضاعفی مانند محدودیت زبانی، نبود شبکه‌های اجتماعی حمایتی و انتظارات فرهنگی مواجه می‌شوند (Zanfrini & Giuliani, 2023: 3). دسترس محدودی به آموزش و تبعیض در بازار کار، نقش‌های سنتی جنسیتی، مسئولیت‌های خانوادگی (به‌ویژه مادری) و هنجارهای پدرسالارانه نیز فرصت‌های زنان جوان را به‌ویژه در جوامع روستایی یا حاشیه‌ای، بیش از پیش محدود می‌کند (Mihai & Nițu, 2024: 314). این الگو نشان می‌دهد NEET در زنان را نمی‌توان صرفاً مسئله‌ای فردی یا اشتغالی تلقی کرد، بلکه این پدیده به یکی از چالش‌های مهم

¹ Not in Employment, Education, or Training

سیاست‌گذاری در حوزه آموزش، مهارت‌آموزی، اشتغال و عدالت جنسیتی تبدیل شده است. پژوهش حاضر برای نخستین بار، پدیده NEET در میان زنان را نه صرفاً به‌عنوان یک مسئله اقتصادی یا آسیب اجتماعی، بلکه به‌مثابه برآیندی از ناهماهنگی میان لایه‌های سیاست‌گذاری‌های آموزشی، نظام‌های مهارتی و الزامات بازار کار تحلیل می‌کند و با تمرکز بر طراحی و تبیین یک چارچوب سیاستی برای پدیده NEET در زنان جوان انجام می‌شود. این پژوهش در پی آن است که ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم وضعیت NEET در میان زنان جوان را شناسایی و روابط میان آن‌ها را تبیین کند. هدف پژوهش حاضر، ارائه یک چارچوب تحلیلی جامع است که ضمن بسط فهم نظری از پدیده NEET زنان، پیوند میان سیاست‌های آموزشی و مهارتی با پیامدهای اشتغال و مشارکت اجتماعی را به‌صورت تجربی آشکار سازد. چارچوب پیشنهادی می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران، نهادهای آموزشی و متولیان حوزه مهارت‌آموزی فراهم آورد تا با شناسایی مسیرهای مؤثر مداخله، برنامه‌هایی هدفمند طراحی کنند که به‌جای بازتولید چرخه طرد و انفعال، زمینه‌ساز مشارکت پایدار، توانمندسازی و بهره‌گیری مؤثر از سرمایه انسانی زنان شوند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. مطالعات نظری

مطالعات نظری درباره پدیده NEET (افرادی که نه در حال اشتغال، نه در حال تحصیل و نه در حال مهارت‌آموزی هستند) از نگاه‌های اولیه که آن را نوعی «نقص فردی» تلقی می‌کردند، به‌سمت درک آن به‌عنوان پدیده‌ای چندسطحی حرکت کرده‌اند؛ پدیده‌ای که تحت تأثیر هم‌زمان ساختارها، سیاست‌ها و عوامل روان‌شناختی شکل می‌گیرد (Maguire, 2015: 526). یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های نظری در تبیین پدیده NEET، نظریه سرمایه انسانی است. این نظریه که ریشه در آثار بکر دارد، بر این فرض استوار است که سرمایه‌گذاری در آموزش، مهارت و تجربه، احتمال اشتغال و بهره‌وری اقتصادی افراد را افزایش می‌دهد (Deming & Silliman, 2025). براساس این رویکرد، ضعف مهارت و خروج از نظام آموزش و مهارت‌آموزی، احتمال حذف جوانان از بازار کار را افزایش می‌دهد. بااین‌حال، مطالعات مرتبط با زنان نشان داده‌اند حتی برخورداری از تحصیلات دانشگاهی نیز لزوماً به اشتغال پایدار زنان منجر نمی‌شود؛ زیرا ساختارهای جنسیتی بازار کار، تبعیض استخدامی، محدودیت فرصت‌های شغلی و هنجارهای فرهنگی، بازده سرمایه انسانی زنان را کاهش می‌دهد (Bongaarts et al., 2019: 151). درنتیجه، تحلیل وضعیت زنان NEET نیازمند عبور از نگاه صرفاً مهارت‌محور و توجه به موانع ساختاری و نهادی است. نظریه طرد اجتماعی نیز چارچوب مهمی برای تحلیل پدیده NEET زنان فراهم می‌کند. در این رویکرد، NEET صرفاً به معنای نبود اشتغال یا تحصیل نیست، بلکه نوعی حذف تدریجی از مشارکت اقتصادی، اجتماعی و نهادی محسوب می‌شود (Silver, 2015: 8-15). پدیده NEET در زنان جوان اغلب هم‌زمان با چند نوع محرومیت مواجه‌اند؛ از جمله محدودیت دسترسی به آموزش باکیفیت، ضعف شبکه‌های اجتماعی و حرفه‌ای، وابستگی اقتصادی و کاهش مشارکت اجتماعی. از این منظر، پدیده NEET نه یک مسئله فردی، بلکه نتیجه تعامل ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نهادی است.

رویکرد دیگر، نظریه گذار از مدرسه به کار و گذار به بزرگسالی است. در این دیدگاه، دوره جوانی مرحله‌ای از انتقال تدریجی از آموزش به اشتغال، استقلال اقتصادی و تشکیل خانواده تلقی می‌شود و هرگونه اختلال در این فرایند می‌تواند به وضعیت NEET منجر شود (Simões, 2025: 2). مطالعات این حوزه نشان می‌دهد ضعف پیوند میان نظام آموزشی و بازار کار، اشتغال غیررسمی، ناامنی شغلی و کمبود فرصت‌های شغلی پایدار، احتمال خروج جوانان از چرخه اشتغال و آموزش را افزایش می‌دهد. این مسئله برای زنان پیچیده‌تر است؛ زیرا آنان علاوه بر موانع اقتصادی، با محدودیت‌های ناشی از نقش‌های جنسیتی و مسئولیت‌های خانوادگی نیز مواجه‌اند (Danner et al., 2021: 840).

در سال‌های اخیر، رویکرد سیاست‌گذاری مهارت‌محور نیز مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد بر اهمیت پیوند میان نظام آموزش، مهارت‌آموزی و بازار کار تأکید دارد و معتقد است توسعه آموزش‌های مهارتی، کارآموزی و یادگیری مبتنی بر

اشتغال می‌تواند احتمال خروج جوانان از وضعیت NEET را کاهش دهد. با این حال، منتقدان این رویکرد معتقدند تمرکز صرف بر مهارت‌آموزی بدون توجه به تبعیض‌های جنسیتی و محدودیت‌های ساختاری بازار کار نمی‌تواند مسئله زنان NEET را به‌طور کامل تبیین یا حل کند (Yazali, 2024: 865). بنابراین، مرور نظری نشان می‌دهد پدیده NEET در زنان، پدیده‌ای چندبعدی است که در محل تلاقی عوامل فردی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، جنسیتی و سیاستی شکل می‌گیرد. از این رو، مطالعه آن نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای و سیاست‌محور است که بتواند ارتباط میان نظام آموزش، مهارت‌آموزی، اشتغال و ساختارهای جنسیتی را به‌صورت یکپارچه تحلیل کند.

۲-۲. مطالعات تجربی

در ادامه، به شواهد تجربی مرتبط با پدیده NEET اشاره شده است.

۲-۲-۱. مطالعات تجربی خارجی

ریپامونتی^۱ (2025) با تمرکز بر گذار از مدرسه به کار، پدیده NEET را در چارچوبی فراتر از نارسایی‌های فردی و آموزشی تحلیل می‌کند و بر نقش مهارت‌های غیرشناختی در تعامل با ساختارهای نهادی و سیاستی تأکید دارد. او نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی نظیر عاملیت فردی، انگیزش، آرزوهای تحصیلی و شغلی، قابلیت هدف‌گذاری و تلاش فعال می‌توانند به‌عنوان عوامل محافظتی در برابر ورود جوانان به وضعیت NEET عمل کنند. با این حال، اثرگذاری این عوامل به‌شدت وابسته به زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و نهادی است. یافته‌های این مطالعه بیانگر آن است که حتی برخورداری از منبع کنترل درونی و سطح بالای انگیزش، در شرایط نابرابری ساختاری و ضعف سیاست‌های حمایتی آموزشی و مهارتی، لزوماً به گذار موفق از آموزش به اشتغال منجر نمی‌شود.

کانگ و یون^۲ (2024) با بررسی نقش نهادها در شکاف جنسیتی وضعیت NEET نشان می‌دهند خطر قرارگرفتن در وضعیت «نه در اشتغال، نه در آموزش و نه در مهارت‌آموزی» به‌طور معناداری تحت تأثیر نابرابری‌های نهادی و سیاستی قرار دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تمرکز زنان NEET به‌ویژه در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ در کشورهایی بیشتر است که شکاف اشتغال جنسیتی در آن‌ها شدیدتر است؛ نویسندگان تأکید می‌کنند که سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش، سیاست‌های فعال‌سازی بازار کار و آموزش دوران کودکی اولیه می‌تواند به‌عنوان اهرم‌های سیاستی مؤثر، شکاف جنسیتی در احتمال NEET شدن را کاهش دهد. این مطالعه با برجسته‌سازی نقش سیاست‌های نهادی و هزینه‌کرد اجتماعی نشان می‌دهد وضعیت NEET زنان صرفاً حاصل ویژگی‌های فردی نیست، بلکه نتیجه مستقیم پیکربندی سیاست‌های آموزشی، مهارتی و اجتماعی است؛ امری که ضرورت تحلیل‌های ساختاری و سیاست‌محور را در تبیین پدیده NEET در زنان تقویت می‌کند.

در پژوهشی دیگر، بونگارتس و همکاران^۳ (2019) نشان دادند افزایش تحصیلات زنان در بسیاری از کشورها، لزوماً به افزایش مشارکت اقتصادی آنان منجر نشده است. آنان علت این مسئله را در تداوم کلیشه‌های جنسیتی، تبعیض شغلی و محدودیت فرصت‌های سازگار با نقش‌های خانوادگی زنان می‌دانند. همچنین پژوهشی دیگر با تمرکز بر زنان جوان در بریتانیا و فرانسه، به بررسی هم‌زمان وضعیت NEET و غیرفعالیت اقتصادی می‌پردازد و نشان می‌دهد که NEET بودن زنان، اغلب نه به‌صورت بیکاری فعال، بلکه در قالب غیرفعالیت اقتصادی و در پی ایفای نقش‌های مراقبتی و خانوادگی شکل می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که با وجود تفاوت‌های قابل توجه در نظام‌های رفاهی و سیاست‌های اشتغال این دو کشور، زنان جوان NEET در هر دو زمینه با موانع ساختاری مشابهی مواجه‌اند؛ از جمله محدودیت در دسترسی به مشاغل باکیفیت، نبود حمایت‌های مراقبتی و ناکارآمدی سیاست‌های مبتنی صرف بر اشتغال‌پذیری. نویسندگان تأکید می‌کنند که

¹ Ripamonti

² Kang & Youn

³ Bongaarts et al.,

سیاست‌های آموزش و مهارت‌آموزی، در غیاب مداخلات مکمل در حوزه برابری جنسیتی، مراقبت اجتماعی و کیفیت اشتغال، توان کافی برای کاهش پایدار وضعیت NEET در میان زنان جوان را ندارند. این مطالعه با برجسته‌سازی ماهیت جنسیتی و ساختاری پدیده NEET، بر ضرورت بازاندیشی سیاست‌های آموزش، مهارت و بازار کار از منظری جامع‌تر و فراتر از رویکردهای فردمحور تأکید می‌کند (Danner et al., 2021: 850).

ابعد روان‌شناختی پدیده NEET نیز در تبیین مدل آن نقش ضروری دارد. مطالعات نشان می‌دهد زنان NEET نسبت به هم‌تایان شاغل یا دانشجوی، سطوح پایین‌تری از خوداثربخشی، انگیزه و اعتماد اجتماعی دارند و بیش از دیگران احساس طردشدگی، بی‌قدرتی و ناامیدی نسبت به آینده را تجربه می‌کنند (Alfieri et al., 2015: 312). این یافته‌ها نشان می‌دهد مدل NEET در زنان باید عوامل فردی و روان‌شناختی را نیز در کنار عوامل اقتصادی-اجتماعی دربرگیرد.

۲-۲-۲. مطالعات تجربی داخلی

بررسی تجربه حضور ناپایدار زنان در نهادهای تصمیم‌گیرنده محلی، مانند آنچه کیانی و دهقان‌پور فراشاه (1405) در مطالعه شوراهای شهر استان تهران آشکار ساخته‌اند، نشان می‌دهد تداوم طرد ساختاری زنان از عرصه‌های قدرت و تصمیم‌گیری، صرفاً به موانع ورود محدود نمی‌شود، بلکه مسئله‌ای عمیق‌تر به نام «ناپایداری حضور» و «چرخه بازتولید انفعال» است.

پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی چالش‌های حضور دختران با ازدواج زودهنگام در مدارس و مدیریت آن» نشان می‌دهد نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی ریشه‌دار، به دلیل نبود مقررات شفاف، ضعف حمایت‌های نهادی و ناهماهنگی سیاست‌های بالادستی، عملاً در موقعیتی منفعل و واکنشی قرار می‌گیرد (Alaei, 2026: 35). این یافته‌ها نشان می‌دهد پدیده NEET زنان در ایران، صرفاً ناشی از کمبود فرصت شغلی نیست، بلکه در پیوند با ساختارهای فرهنگی، نهادی و سیاستی شکل می‌گیرد.

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی زنان جوان، به‌رغم افزایش تحصیلات، همچنان پایین است و بسیاری از زنان تحصیل‌کرده در وضعیت بیکاری یا غیرفعال اقتصادی قرار دارند (Zahed et al., 2020: 643). برخی پژوهش‌ها علت این مسئله را در ضعف بازار کار، نبود فرصت‌های شغلی متناسب با تحصیلات زنان، محدودیت‌های فرهنگی و ضعف سیاست‌های حمایتی دانسته‌اند.

مطالعات مرتبط با مهارت‌آموزی نیز نشان داده‌اند نظام آموزشی و دانشگاهی در ایران، ارتباط مؤثری با نیازهای واقعی بازار کار ندارد و آموزش‌های مهارتی ارائه‌شده برای زنان، غالباً محدود به حوزه‌های سنتی و کم‌درآمد است (Seyed Noorani et al., 2024: 101). در نتیجه بسیاری از زنان جوان، پس از اتمام تحصیل، نه امکان ورود پایدار به بازار کار را دارند و نه در دوره‌های مهارتی مؤثر مشارکت می‌کنند.

جدول 1. مقالات کلیدی درباره مدل‌های مرتبط با زنان دارای وضعیت NEET

منابع	توضیحات	موضوع
Doss et al., 2020; Heckert et al., 2020; Mihai & Nițu, 2024; Zanfrini & Giuliani, 2023	این دسته از پژوهش‌ها بررسی می‌کنند که چگونه عوامل اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی، خطر قرارگیری زنان در وضعیت NEET را شکل می‌دهند.	موانع ساختاری و نقش‌های جنسیتی
Berry et al., 2024; Karaoğlu et al.,)	مطالعات این بخش، وضعیت NEET را به	سلامت روان و اجتماعی

	مسائلی مانند سلامت روان، انزوای اجتماعی و اثرات هم‌افزا پیوند می‌دهند.	2023; Serracant, 2014; Tanton et al., (2021)
زنان مهاجر، اقلیت‌ها، مناطق روستایی	تمرکز این گروه از تحقیقات بر موانع مضاعفی است که زنان مهاجر، اقلیت‌های قومی یا ساکن مناطق روستایی تجربه می‌کنند؛ از جمله چالش‌های زبانی، فرهنگی و محدودیت دسترسی به فرصت‌ها.	Alonso et al., 2022; André & Crosby, (2022)
مدل‌های مداخله و عاملیت فردی	این دسته به ارائه چارچوب‌های مداخله روان‌اجتماعی، برنامه‌های مبتنی بر امید، و مدل‌هایی می‌پردازد که عاملیت فردی و توانمندسازی زنان NEET را تقویت می‌کنند.	(Berry et al., 2024; Simões, 2025)

۲-۳. بررسی انتقادی پژوهش‌ها

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد پژوهش‌های مرتبط با پدیده NEET عمدتاً در سه رویکرد قابل دسته‌بندی هستند: رویکرد اقتصادی-بازار کار، رویکرد آموزشی-مهارتی و رویکرد اجتماعی-جنسیتی. هریک از این رویکردها بخشی از ابعاد پدیده را تبیین کرده‌اند، اما با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده‌اند.

دسته نخست، پژوهش‌هایی هستند که NEET را عمدتاً به عنوان مسئله‌ای اقتصادی و ناشی از ضعف بازار کار تحلیل کرده‌اند (Mihai & Nițu, 2024: 313; Quintini & Martin, 2014: 1; Zanfrini & Giuliani, 2023: 1). نقطه قوت این رویکرد، توجه به ساختار بازار کار و نقش سیاست‌های اشتغال در کاهش جمعیت NEET است، اما ضعف اصلی آن، تقلیل پدیده NEET به مسئله‌ای صرفاً اقتصادی و غفلت از ابعاد جنسیتی، فرهنگی و خانوادگی است. در این مطالعات، زنان اغلب به عنوان بخشی از جمعیت عمومی جوانان بررسی شده‌اند و تجربه زیسته آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

دسته دوم، پژوهش‌های آموزشی-مهارتی هستند که بر نقش سرمایه انسانی، آموزش‌های مهارتی و قابلیت اشتغال تمرکز دارند (Berry et al., 2024; Simões, 2025: 1696). این مطالعات نشان می‌دهند ضعف مهارت و نبود ارتباط میان آموزش و بازار کار، احتمال قرارگرفتن جوانان در وضعیت NEET را افزایش می‌دهد. مزیت این رویکرد، تأکید بر اهمیت سیاست‌های آموزشی و مهارت‌آموزی است، اما ضعف آن، نگاه فردمحور و کم‌توجهی به موانع ساختاری و تبعیض‌های جنسیتی است. این مطالعات نمی‌توانند توضیح دهند که چرا حتی زنان تحصیل کرده و دارای مهارت نیز در بسیاری از موارد از بازار کار کنار گذاشته می‌شوند.

دسته سوم، پژوهش‌های اجتماعی و جنسیتی هستند که بر طرد اجتماعی، نقش‌های جنسیتی، محدودیت‌های فرهنگی و مسئولیت‌های خانوادگی زنان تمرکز کرده‌اند (Karaoğlu et al., 2023: 163; Tanton et al., 2021: 1). این مطالعات نشان داده‌اند زنان جوان بیش از مردان در معرض غیرفعالی اقتصادی، وابستگی مالی و حذف از بازار کار قرار دارند. نقطه قوت این رویکرد، توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی شکل‌گیری NEET در زنان است، اما برخی از این پژوهش‌ها کمتر به سازوکارهای سیاستی، نقش نهادهای آموزشی و نظام مهارت‌آموزی پرداخته‌اند و در نتیجه، ظرفیت اجرایی محدودی برای ارائه راهکارهای سیاستی دارند.

بررسی تطبیقی مطالعات پیشین نشان می‌دهد پژوهش حاضر در پاسخ به دو خلأ اصلی در ادبیات شکل گرفته است: نخست، نبود مدلی جامع و تلفیقی برای تبیین پدیده NEET در میان زنان جوان که بتواند ابعاد اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و جنسیتی را به صورت یکپارچه تحلیل کند؛ و دوم، کمبود پژوهش‌های سیاست‌محور که نقش نظام آموزشی، مهارت‌آموزی و اشتغال را در شکل‌گیری یا کاهش این پدیده بررسی کنند. براین اساس، پژوهش حاضر به روش نظریه داده‌بنیاد، فراتر از توصیف آماری یا تحلیل تک‌عاملی، سازوکارهای علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدی پدیده NEET را در میان زنان جوان شناسایی و چارچوبی سیاستی ارائه می‌کند. چنین مدلی می‌تواند مبنایی تحلیلی برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد فراهم

آورد و به سیاست‌گذاران حوزه آموزش، اشتغال و مهارت‌آموزی کمک کند تا با شناسایی مسیرهای علی و نقاط مداخله کلیدی، سیاست‌هایی هماهنگ، هدفمند و جنسیت‌حساس طراحی کنند که به‌جای بازتولید طرد و انفعال، به تقویت عاملیت، توانمندسازی و مشارکت پایدار زنان در نظام آموزش و بازار کار منجر شود. چنین الگویی می‌تواند پایه‌ای محکم برای طراحی سیاست‌های هدفمند در حوزه آموزش، مهارت، اشتغال و عدالت جنسیتی فراهم سازد؛ بنابراین، سؤالات تحقیق به‌صورت زیر مطرح می‌شود:

1. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر پدیده NEET در زنان جوان کدام‌اند؟
2. رابطه بین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر پدیده NEET در زنان جوان چگونه است؟
3. چگونه می‌توان یک چارچوب سیاستی برای تبیین پدیده NEET در زنان جوان طراحی کرد که قابلیت پشتیبانی از تصمیم‌گیری سیاستی را داشته باشد؟

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش کیفی حاضر به روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد استراوس و کوربین^۱ انجام شده است. کارشناسان و مدیران وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش، مدیران سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای مشارکت‌کنندگان پژوهش جهت طراحی و تدوین مدل به‌حساب می‌آمدند که به‌منظور اعتباربخشی اولیه از لحاظ تجربه، سابقه تحصیلات، مرتبط‌بودن با موضوع، علاقه‌مندی و داشتن زمان کافی برای مصاحبه، مدنظر قرار گرفت. شرکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. مشخصات مصاحبه‌شوندگان به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه‌شونده	جنسیت	سن (سال)	سابقه خدمت (سال)	محل خدمت
P1	زن	۴۸	۲۴	وزارت علوم، تهران
P2	مرد	۵۲	۲۸	وزارت علوم (دانشگاه تهران)
P3	زن	۴۲	۱۸	وزارت علوم، تهران
P4	مرد	۵۵	۳۰	وزارت علوم، تهران
P5	زن	۳۹	۱۴	وزارت علوم، تهران
P6	مرد	۴۶	۲۲	وزارت علوم (سازمان سنجش)
P7	زن	۴۴	۲۰	وزارت علوم، تهران
P8	مرد	۵۰	۲۶	وزارت آموزش و پرورش، تهران
P9	زن	۴۱	۱۷	وزارت آموزش و پرورش، تهران
P10	مرد	۵۳	۲۹	وزارت آموزش و پرورش، تهران
P11	زن	۳۸	۱۴	وزارت آموزش و پرورش، استان البرز
P12	مرد	۴۷	۲۳	وزارت آموزش و پرورش، تهران
P13	زن	۴۵	۲۱	وزارت آموزش و پرورش، قم

¹ Strauss & Corbin

P14	مرد	۵۷	۳۲	وزارت آموزش و پرورش، تهران
P15	زن	۴۳	۱۹	وزارت آموزش و پرورش، تهران
P16	مرد	۴۹	۲۵	وزارت آموزش و پرورش، استان اصفهان
P17	زن	۴۰	۱۶	سازمان فنی و حرفه‌ای، تهران
P18	مرد	۵۴	۳۰	سازمان فنی و حرفه‌ای، تهران
P19	زن	۳۷	۱۳	سازمان فنی و حرفه‌ای، کرج
P20	مرد	۵۱	۲۷	سازمان فنی و حرفه‌ای، تهران
P21	زن	۴۶	۲۲	سازمان فنی و حرفه‌ای، تهران
P22	مرد	۴۴	۲۰	سازمان فنی و حرفه‌ای، استان مازندران
P23	زن	۳۶	۱۲	سازمان فنی و حرفه‌ای، تهران
P24	مرد	۵۸	۳۴	سازمان فنی و حرفه‌ای، تهران
P25	زن	۴۲	۱۸	سازمان فنی و حرفه‌ای، قزوین
P26	مرد	۴۸	۲۴	سازمان فنی و حرفه‌ای، تهران
P27	زن	۴۰	۱۷	سازمان فنی و حرفه‌ای، تهران
P28	مرد	۴۵	۲۱	وزارت علوم (پژوهشکده مطالعات)
P29	زن	۳۹	۱۵	سازمان فنی و حرفه‌ای، تبریز

مصاحبه‌ها به صورت عمیق و انعطاف‌پذیر انجام شد و متناسب با پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، پرسش‌های تکمیلی نیز مطرح شدند تا ابعاد مختلف تجربه زیسته و ادراک آنان از پدیده مورد مطالعه به دقت شناسایی شود.

برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. پیش از آغاز مصاحبه، خلاصه‌ای از طرح پژوهش همراه با تعاریف کلمات، اهداف و سؤالات پژوهش از طریق ایمیل برای مشارکت‌کنندگان ارسال شد تا آمادگی لازم برای شروع مصاحبه را داشته باشند. محل مصاحبه به طور مشترک توافق شد و روش ثبت اطلاعات، دست‌نویس و نوشتن سریع و اشاره‌های لازم بود. پس از 29 مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت و 28 مقوله شناسایی شدند. کدگذاری توسط دو نفر (پژوهشگر و یک همکار) به صورت جداگانه انجام شد و کدهای استخراج‌شده با هم مقایسه شدند. از سوی دیگر علاوه بر خود پژوهشگران، مدل توسط سه تن از خبرگان حوزه تدوین مدل بررسی و نظرات آن‌ها برای غنی‌سازی و بهبود مدل بیه‌کار گرفته شد.

اعتبار پژوهش حاضر با استفاده از معیارهای لینکلن و گوبا^۱ شامل اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اعتماد و تأییدپذیری بررسی شد. در راستای افزایش اعتبار، مشارکت‌کنندگانی با تجربه‌ها، موقعیت‌های اجتماعی و دیدگاه‌های متفاوت در مطالعه حضور یابند. علاوه بر این، برای اطمینان از صحت تفسیر داده‌ها، بخشی از متن‌های مکتوب‌شده و نتایج اولیه تحلیل، در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت تا میزان انطباق یافته‌ها با تجربه زیسته آنان بررسی و تأیید شود.

به منظور افزایش قابلیت اعتماد، تمامی مراحل پژوهش به صورت نظام‌مند مستندسازی شد تا امکان پیگیری و ارزیابی روند تحلیل فراهم باشد. همچنین فرایند تحلیل داده‌ها به صورت مستمر مورد بازبینی و مقایسه قرار گرفت و کدها و

¹ Lincoln & Guba

مقوله‌های استخراج‌شده در جلسات متعدد با استادان متخصص در حوزه مطالعات زنان، سیاست‌گذاری آموزشی و روش تحقیق کیفی مورد بررسی قرار گرفت.

برای ارتقای تأییدپذیری تلاش شد تفسیر داده‌ها مبتنی بر شواهد حاصل از مصاحبه‌ها صورت گیرد و از تحمیل پیش‌فرض‌های ذهنی پژوهشگر بر داده‌ها جلوگیری شود. به همین منظور، فرایند تحلیل با بازخوانی مکرر متن مصاحبه‌ها و مقایسه مستمر داده‌ها انجام گرفت. همچنین نقل‌قول‌ها و مفاهیم استخراج‌شده مبنای شکل‌گیری مقوله‌ها و مدل نهایی قرار گرفتند.

در راستای افزایش انتقال‌پذیری نیز ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان، زمینه پژوهش، شیوه نمونه‌گیری و مراحل تحلیل داده‌ها به‌صورت دقیق تشریح شد تا امکان قضاوت درباره قابلیت استفاده از یافته‌ها در زمینه‌های مشابه فراهم شود.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش، با اتکا به تحلیل نظام‌مند داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مرور اسناد و سیاست‌های آموزشی، اشتغال و مهارت‌آموزی، کدهای اولیه استخراج و در قالب مقوله‌های تحلیلی سازمان‌دهی شدند. نتایج کدگذاری در ادامه در قالب جدول‌ها و توضیحات تحلیلی ارائه می‌شود.

فرایند تحلیل داده‌ها با الهام از رویکرد نظریه داده‌بنیاد و در چارچوب کدگذاری باز و محوری انجام شده است؛ به‌گونه‌ای که پدیده NEET در زنان در قالب شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها مورد تبیین قرار گرفته است. هدف از این تحلیل، ارائه یک چارچوب مفهومی و تحلیلی برای فهم سازوکارهای سیاستی مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم وضعیت NEET در میان زنان و فراهم‌سازی مبنایی برای طراحی چارچوب سیاستی پژوهش است.

۴-۱. شرایط علی

شرایط علی به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود که به‌صورت مستقیم در شکل‌گیری پدیده NEET در میان زنان نقش دارند و توجه پژوهش را به این پدیده معطوف می‌سازند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل علی مرتبط با نیت در زنان عمدتاً در پیوند با کارکرد نظام آموزشی، اشتغال و مهارت‌آموزی قابل تبیین‌اند. براساس کدگذاری انجام‌شده، این شرایط علی نه‌تنها مسیرهای ورود زنان به وضعیت NEET را شکل می‌دهند، بلکه زمینه‌ساز بازتولید این وضعیت در بلندمدت نیز هستند و از این‌رو به‌عنوان متغیرهای کلیدی در تبیین پدیده NEET در مدل ساختاری پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول 3. مقوله‌های پدیده NEET در زنان در شرایط علی

کد انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز	مصاحبه‌شوندگان
شرایط علی پدیده NEET در زنان جوان	ناهماهنگی آموزش با بازار کار	عدم انطباق محتوای آموزشی با نیازهای بازار کار، ضعف مهارت‌های کاربردی، گسست آموزش عالی و اشتغال، مدرک‌گرایی بدون مهارت	P13-P12- P14- P11-- P2-P3- P4-P5-P6-P7
	ضعف سیاست‌های مهارت‌آموزی	محدودیت دسترسی به آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، کیفیت پایین دوره‌های مهارتی، نبود مسیرهای شفاف انتقال مهارت به اشتغال	P1-P2-P4-P5- P6-P11- P12- P15
	نبود هدایت تحصیلی و شغلی مؤثر	نبود مشاوره شغلی، ضعف نظام هدایت تحصیلی، ناآگاهی از مسیرهای شغلی و مهارتی، تصمیم‌گیری‌های تحصیلی نامتناسب	P10-P11-P12- P13- P14- P4- P11-P1
	محدودیت‌های جنسیت‌محور در نظام آموزشی و اشتغال	کلیشه‌های جنسیتی در انتخاب رشته، محدودیت حضور زنان در رشته‌های مهارت پیشه، تبعیض آموزشی و شغلی	P8-P9-P10- P11-P12- P20- P2

P5-P6-P10-P11-P12-P7	پایین بودن خودکارآمدی، دلسردی، ضعف عاملیت فردی، نبود انگیزش و هدف گذاری شغلی	ضعف توسعه مهارت های غیرشناختی	
P7-P10-P6-P13-P14	عدم پیوند سیاست های آموزشی با اشتغال زنان، ضعف برنامه های حمایت از زنان در آموزش عالی، غفلت از خروجی اشتغال محور نظام آموزشی	نارسایی سیاست های آموزشی در جذب زنان	
P14-P4-P11-P13-P5-P16-P7	نبود آموزش های انعطاف پذیر، نبود برنامه های بازگشت به آموزش برای زنان NEET، محدودیت یادگیری ترکیبی و دیجیتال	محدودیت فرصت های یادگیری مادام العمر	

تحلیل داده های جدول 3 نشان می دهد در میان شرایط علی، «ناهماهنگی آموزش با بازار کار» و «ضعف سیاست های مهارت آموزی» بیشترین تکرار را در مصاحبه ها داشته اند که بیانگر شکاف میان نظام آموزشی و نیازهای واقعی اشتغال است. همچنین مقوله هایی مانند «محدودیت های جنسیت محور در نظام آموزش و کار» و «نارسایی سیاست آموزش در جذب زنان» نشان می دهد زنان علاوه بر ضعف مهارتی، با موانع نهادی و تبعیض های جنسیتی نیز مواجه اند. از سوی دیگر، شناسایی مقوله هایی مانند «ضعف توسعه مهارت های غیرشناختی» و «محدودیت فرصت های یادگیری مادام العمر» بیانگر آن است که عوامل روان شناختی، انگیزشی و محدودیت دسترسی به فرصت های یادگیری مستمر نیز در بازتولید وضعیت NEET نقش دارند.

۴-۲. شرایط زمینه ای

شرایط زمینه ای شامل مجموعه ای از عوامل ساختاری، اجتماعی و نهادی است که بدون آن ها فرایند شکل گیری و تداوم پدیده NEET در میان زنان قابل فهم نخواهد بود. این شرایط، بستر حاکم بر سیاست ها و کنش های فردی را شکل می دهند و نحوه اثرگذاری شرایط علی را تعدیل یا تقویت می کنند. در این پژوهش، شرایط زمینه ای به عواملی اطلاق می شود که در سطح نظام علم، آموزش و مهارت آموزی و نیز در سطح اجتماعی و نهادی عمل می کنند و مسیرهای ورود یا ماندگاری زنان در وضعیت NEET را تحت تأثیر قرار می دهند.

براساس تحلیل داده های کیفی و کدگذاری انجام شده، پنج مقوله اصلی به عنوان شرایط زمینه ای پدیده NEET در زنان شناسایی شدند که در ادامه، شرح کامل آن ها در قالب جدول ارائه می شود.

جدول 4. مقوله های پدیده NEET در زنان در شرایط زمینه ای

کد محوری	کدهای انتخابی	کدهای باز	مصاحبه شوندگان
شرایط زمینه ای در پدیده NEET در زنان جوان	بهره گیری محدود از ظرفیت های بومی و منطقه ای	نابرابری منطقه ای در دسترسی به آموزش و مهارت، تمرکز فرصت های آموزشی و شغلی در مراکز شهری، ضعف زیرساخت های آموزشی و مهارتی در مناطق کم برخوردار	P4- P3-P11 -P5-P16-P7
	ساختار دانش و نظام آموزشی	غلبه آموزش نظری بر آموزش کاربردی، ضعف پیوند آموزش عالی با مهارت آموزی، فاصله میان تولید دانش و نیازهای واقعی بازار کار زنان	P21- P22- P11-P13 -P15-P18-P17
	سرمایه اجتماعی و شبکه های حمایتی	ضعف شبکه های حرفه ای زنان، محدودیت دسترسی به روابط شغلی و نهادی، نقش خانواده و شبکه های غیررسمی در بازتولید یا کاهش NEET	P19- P17- P12-P18 -P16-P20-P2
	هنجارها و انتظارات جنسیتی	اولویت نقش های مراقبتی بر نقش های شغلی، محدودیت های فرهنگی در انتخاب رشته و	P14 - P11-P21-P20-P16-P1

	شغل، بازتولید کلیشه‌های جنسیتی در نظام آموزشی		
P23- P6- P4-P1-P14-P19-P7	تمرکز مراکز مهارتی در مناطق خاص، محدودیت آموزش‌های انعطاف‌پذیر برای زنان، کمبود آموزش‌های فنی برای زنان	دسترسی نابرابر به زیرساخت‌های مهارت‌آموزی	

تحلیل داده‌های جدول 4 نشان می‌دهد پدیده NEET در زنان جوان در بستری از نابرابری‌های آموزشی، اجتماعی و جنسیتی شکل می‌گیرد. یافته‌ها بیانگر آن است که ضعف پیوند آموزش با مهارت‌آموزی و بازار کار، نابرابری منطقه‌ای در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، محدودیت زیرساخت‌های مهارتی و تداوم هنجارهای جنسیتی، نقش مهمی در تداوم وضعیت NEET دارند. همچنین ضعف سرمایه اجتماعی و شبکه‌های حمایتی، فرصت مشارکت آموزشی و شغلی زنان را محدود کرده و احتمال ماندگاری آنان در این وضعیت را افزایش می‌دهد.

۴-۳. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود که می‌توانند شدت، جهت یا نحوه اثرگذاری شرایط علی و زمینه‌ای بر پدیده NEET در زنان را تقویت یا تضعیف کنند. این شرایط عمدتاً ماهیتی سیاستی و نهادی دارند و از طریق مداخلات رسمی، برنامه‌ها، قوانین و سازوکارهای اجرایی بر مسیرهای ورود، ماندگاری یا خروج زنان از وضعیت NEET اثر می‌گذارند.

در این پژوهش، شرایط مداخله‌گر به عواملی اشاره دارد که در سطح سیاست‌های آموزشی، اشتغال و مهارت‌آموزی طراحی و اجرا می‌شوند و می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر عاملیت زنان، دسترسی آنان به آموزش و مهارت، و امکان اتصال به بازار کار اثرگذار باشند. براساس کدگذاری انجام‌شده، هفت مقوله اصلی به عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شد که در ادامه در قالب جدول ارائه می‌شود.

جدول 5. مقوله‌های پدیده NEET در زنان در شرایط مداخله‌گر

کدهای محوری	کدهای انتخابی	کدهای باز	مصاحبه‌شوندگان
شرایط مداخله‌گر در پدیده NEET در زنان جوان	توانمندسازی مهارتی زنان	ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای زنان، آموزش مهارت‌های غیرشناختی، یادگیری آنلاین	P14- P4- P11-P13 -P5- P16-P7
	کارآفرینی و اشتغال دانش‌بنیان	حمایت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان زنان، توسعه استارت‌آپ‌ها، تسهیل ورود زنان به زیست‌بوم نوآوری	P11- P3- P11-P1 -P15- P12
	سیاست‌های آموزشی جنسیت‌حساس	توسعه آموزش‌هایی با محوریت مهارت‌های زنان، کاهش کلیشه‌های جنسیتی در آموزش	P16- P2- P17-P18 -P19- P20-P23
	پیوند آموزش، مهارت و بازار کار	توسعه کارآموزی برای زنان، فراهم ساختن همکاری دانشگاه-صنعت برای دانشجویان دختر، شفاف‌سازی مسیرهای گذار از آموزش به اشتغال	P12- P3- P4-P5 -P9-P10- P11
	اصلاحات نهادی و حکمرانی آموزش	هماهنگی نهادی میان آموزش عالی، مهارت‌آموزی و بازار کار، کاهش موازی‌کاری نهادی	P5- P6-P3 -P15-P1-P21
	حمایت‌های قانونی و نهادی	قوانین حمایت از اشتغال زنان، تسهیل بازگشت به آموزش و کار، سیاست‌های	P1- P8- P10-P16 -P18- P12-P21

P10- P4- P11-P15 -P5- P16-P7	ضد تبعیض	سیاست‌های حمایتی - اجتماعی مکمل	
	خدمات مراقبتی، حمایت از مادران جوان، سیاست‌های توازن کار-زندگی		

تحلیل داده‌های جدول 5 نشان می‌دهد شرایط مداخله‌گر نقش مهمی در کاهش یا تشدید وضعیت NEET در زنان جوان دارند. یافته‌ها بیانگر آن است که مدیریت پدیده NEET در زنان نیازمند مداخلات هماهنگ آموزشی، حمایتی و سیاستی است.

۴-۴. پیامدها

پیامدها به نتایج و آثار ناشی از برهم‌کنش شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در پدیده NEET در میان زنان اشاره دارند. این پیامدها نشان می‌دهند سیاست‌ها و مداخلات اتخاذ شده چگونه می‌توانند مسیرهای زندگی، مشارکت اجتماعی و جایگاه اقتصادی زنان NEET را دگرگون سازند. در این پژوهش، پیامدها در دو سطح درون‌سیستمی (مرتبط با نظام آموزشی، اشتغال و مهارت‌آموزی) و برون‌سیستمی (مرتبط با بازار کار، اقتصاد و جامعه) شناسایی و تحلیل شده‌اند.

جدول 6. مقوله‌های پیامدی پدیده NEET در زنان

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز	مصاحبه‌شوندگان
پیامدهای درون‌سیستمی	ارتقای سرمایه انسانی	افزایش مهارت‌های علمی و مهارتی، تقویت مهارت‌های غیرشناختی	P10-P1-P11-P8-P20-P12
	تقویت عاملیت و خودکارآمدی	افزایش انگیزش، اعتماد به نفس، هدف‌گذاری شغلی	P5-P7-P9-P11-P21
پیامدهای برون‌سیستمی	بهبود وضعیت اشتغال	اشتغال پایدار، کاهش بیکاری و اشتغال غیررسمی	P8-P6-P15-P12
	پیامدهای اجتماعی	کاهش طرد اجتماعی، افزایش مشارکت اجتماعی	P4-P13-P17-P18
	پیامدهای نهادی و توسعه‌ای	کاهش نابرابری جنسیتی، ارتقای عدالت اجتماعی، توسعه پایدار	P1-P3-P10

تحلیل داده‌های جدول 6 نشان می‌دهد سیاست‌های آموزشی و مهارت‌آموزی می‌توانند نقش مهمی در توانمندسازی زنان و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی ایفا کنند.

۴-۵. راهبردها

راهبردها در پژوهش بیانگر مجموعه کنش‌ها و پاسخ‌هایی هستند که در مواجهه با شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر پدیده NEET در زنان شکل می‌گیرند. راهبردهای شناسایی شده نشان می‌دهد که کاهش وضعیت NEET در زنان، صرفاً نیازمند ایجاد فرصت شغلی نیست، بلکه مستلزم اصلاح سازوکارهای نهادی، تقویت ظرفیت‌های اجتماعی و تغییر نگرش‌های جنسیتی در حوزه آموزش و اشتغال است. جدول 7 مهم‌ترین مقوله‌های راهبردی استخراج شده از داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

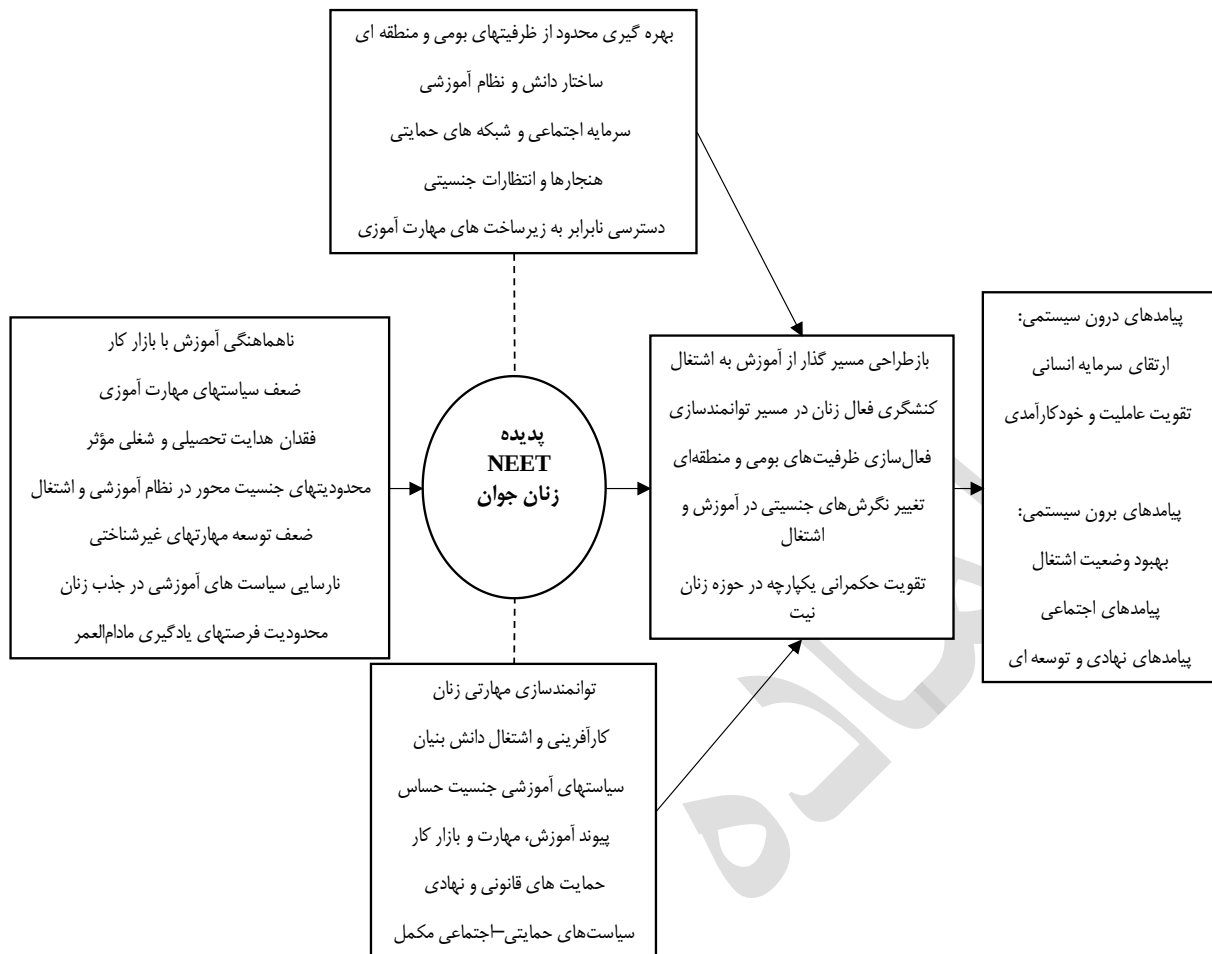
جدول 7. مقوله‌های راهبردهای پدیده NEET در زنان

کدهای	کدهای محوری	کدهای باز	نمونه نقل قول مستقیم
-------	-------------	-----------	----------------------

انتخابی			
راهنمایی پدیده NEET در زنان	بازطراحی مسیر گذار از آموزش به اشتغال	ایجاد مسیرهای شفاف ورود به کار، اتصال تحصیل به تجربه کاری، هدایت شغلی مستمر	«دخترها بعد از فارغ التحصیلی دقیقاً نمی‌دونن از چه مسیری باید وارد بازار کار بشن» (P12).
	کنشگری فعال زنان در مسیر توانمندسازی	تقویت عاملیت فردی، توسعه خودباوری شغلی، افزایش مشارکت در یادگیری و اشتغال	«بعضی دخترها به‌مرور احساس می‌کنن هیچ فرصتی برای پیشرفت ندارن و کاملاً کنار می‌کشن» (P7).
	فعال‌سازی ظرفیت‌های بومی و منطقه‌ای	توسعه فرصت‌های مهارتی در مناطق کم‌برخوردار، توجه به اقتصاد محلی زنان	«بیشتر امکانات توی شهرهای بزرگه و دخترهای مناطق محروم فرصت کمتری دارن» (P5).
	تغییر نگرش‌های جنسیتی در آموزش و اشتغال	مقابله با کلیشه‌های جنسیتی، مشروعیت‌بخشی به حضور حرفه‌ای زنان	«هنوز بعضی شغل‌ها رو مناسب زن‌ها نمی‌دونن و همین باعث محدودشدن انتخاب‌ها می‌شه» (P18).
	تقویت حکمرانی یکپارچه در حوزه زنان NEET	هماهنگی میان نهادهای آموزشی، مهارتی و اشتغال، کاهش پراکندگی سیاست‌ها	«هر دستگاهی جداگانه کار می‌کنه و برنامه منسجمی برای دخترهای NEET وجود نداره» (P21).

براساس فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی در رویکرد استراوس و کوربین، مقوله هسته‌ای پژوهش حاضر «گسست ساختاری میان نظام آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال زنان جوان» شناسایی شد. این مقوله به‌عنوان مفهوم مرکزی پژوهش، بیشترین ارتباط مفهومی را با سایر مقوله‌های استخراج‌شده داشته و توانسته است شرایط، تعاملات، راهبردها و پیامدهای مرتبط با پدیده NEET در زنان جوان را در قالب یک فرایند منسجم تبیین کند.

بنابراین، مدل نهایی پژوهش نشان می‌دهد پدیده NEET در زنان جوان، نتیجه یک فرایند ساختاری و تعاملی است که در آن، گسست میان نظام آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال، تحت تأثیر عوامل نهادی، اجتماعی و جنسیتی بازتولید می‌شود و زنان جوان را در معرض حذف هم‌زمان از آموزش، اشتغال و مشارکت اقتصادی قرار می‌دهد. در ادامه چارچوب مفهومی مؤلفه‌ها و ابعاد پدیده نیت در زنان در قالب شکل 1 ارائه می‌شود.



شکل 1. چارچوب سیاستی عوامل مؤثر بر پدیده NEET در زنان جوان

۵. بحث

یافته های پژوهش حاضر نشان داد پدیده NEET در میان زنان جوان، حاصل برهم کنش مجموعه ای از عوامل آموزشی، مهارتی، ساختاری، جنسیتی و سیاستی است و نمی توان آن را صرفاً به بیکاری یا نبود مهارت فردی تقلیل داد. این یافته با پژوهش سیلور^۱ (2015) که NEET را پدیده ای چندبعدی و مرتبط با فرایندهای طرد اجتماعی و گذار دشوار از آموزش به بازار کار می داند، همسو است. در مدل حاضر نیز «ناهماهنگی آموزش با بازار کار»، «ضعف سیاست های مهارت آموزی» و «نبود هدایت تحصیلی و شغلی مؤثر» به عنوان مهم ترین شرایط علی شناسایی شدند؛ یافته ای که با نتایج پژوهش کوئینتینی و مارتین^۲ (2014) درباره شکاف میان نظام آموزش و نیازهای بازار کار همخوانی دارد. ضعف سیاست های مهارت آموزی، محدودیت فرصت های یادگیری، ضعف توسعه مهارت های غیرشناختی با مقاله کیانی و دهقان پور فراشاه (1405) همسو است.

همچنین یافته های پژوهش حاضر نشان داد صرف برخورداری زنان از تحصیلات دانشگاهی، تضمین کننده ورود آنان به بازار کار نیست و عوامل ساختاری و جنسیتی نقش تعیین کننده ای در شکل گیری وضعیت NEET دارند. این یافته با مطالعات دَنر و همکاران^۳ (2021) همسو است که نشان می دهند زنان جوان حتی در صورت برخورداری از تحصیلات، بیش از مردان

¹ Silver

² Quintini & Martin

³ Danner et al.,

در معرض غیرفعالی اقتصادی قرار دارند. همچنین کانگ و یون^۱ (2024) تأکید می‌کنند که نهادهای اجتماعی، سیاست‌های اشتغال و ساختارهای جنسیتی نقش مهمی در شکاف جنسیتی NEET ایفا می‌کنند.

در همین راستا، بونگارتس و همکاران^۲ (2019) نشان داده‌اند اشتغال زنان به شدت تحت تأثیر نقش‌های خانوادگی و مسئولیت‌های مراقبتی قرار دارد. در مدل پژوهش حاضر نیز «محدودیت‌های جنسیت‌محور در نظام آموزش و کار» و «ناسازگاری سیاست آموزشی در جذب زنان» به عنوان عوامل کلیدی شناسایی شدند که نشان می‌دهد NEET زنان صرفاً پیامد کمبود مهارت نیست، بلکه ریشه در ساختارهای جنسیتی و نهادی دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر درباره تأثیر خانواده و شبکه‌های حمایتی نیز با نتایج پژوهش آلفیری و همکاران^۳ (2015) همخوانی دارد. آنان نشان دادند وضعیت اقتصادی، فرهنگی و حمایتی خانواده نقش مهمی در احتمال قرارگرفتن جوانان در وضعیت NEET دارد. در مدل حاضر نیز «سرمایه اجتماعی و شبکه‌های حمایتی» به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای مهم شناسایی شد. این یافته نشان می‌دهد زنان جوان در نبود حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، بیش از دیگران در معرض خروج از چرخه آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش نشان داد سیاست‌های آموزشی و مهارتی موجود، به اندازه کافی جنسیت‌حساس نیستند و در بسیاری از موارد با نیازهای واقعی زنان جوان تناسب ندارند. این یافته با نتایج مطالعات دتر و همکاران^۴ (2021) همسو است که نشان دادند زنان جوان در مقایسه با مردان، بیشتر تحت تأثیر موانع ساختاری و نهادی قرار دارند و همین مسئله احتمال غیرفعال بودن اقتصادی آنان را افزایش می‌دهد. همچنین یافته حاضر با پژوهش کانگ و یون^۵ (2024) همخوانی دارد که بر نقش نهادها و سیاست‌های اجتماعی در شکاف جنسیتی NEET تأکید کرده‌اند.

در مدل پژوهش حاضر، «ضعف توسعه مهارت‌های غیرتخصصی» و «محدودیت فرصت‌های یادگیری» نیز به عنوان عوامل مؤثر بر بازتولید وضعیت NEET زنان شناسایی شد. این یافته فراتر از بسیاری از مطالعات پیشین است که عمدتاً بر مهارت‌های فنی تمرکز داشته‌اند. ریپاموتی^۶ (2025) نیز تأکید می‌کند که مهارت‌های غیرشناختی و نرم، نقش مهمی در گذار موفق جوانان از آموزش به اشتغال دارند؛ بنابراین، یافته حاضر نشان می‌دهد خروج زنان از وضعیت NEET تنها به آموزش‌های تخصصی وابسته نیست، بلکه توسعه مهارت‌های ارتباطی، اعتمادبه‌نفس و توانایی‌های اجتماعی نیز اهمیت اساسی دارد.

یافته‌های پژوهش همچنین مشخص کرد محدودیت در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی و منطقه‌ای، یکی از عوامل زمینه‌ساز NEET در زنان جوان است. این نتیجه با یافته‌های سیموس^۷ (2025) درباره نقش شرایط محلی و منطقه‌ای در گذار جوانان از مدرسه به کار همسو است. همچنین پژوهش میهای و نیٹو^۸ (2024) نیز نشان داده است که وضعیت NEET در مناطق مختلف، تحت تأثیر تفاوت‌های ساختاری، فرصت‌های شغلی و دسترسی نابرابر به آموزش و مهارت‌آموزی قرار دارد. در پژوهش حاضر نیز این مسئله به‌ویژه در ارتباط با محدودیت دسترسی زنان به زیرساخت‌های مهارت‌آموزی و فرصت‌های یادگیری مشاهده شد. هنجارها و انتظارات جنسیتی با یافته‌های پژوهش دهقان‌پور فراشاه و همکاران^۹ (1405) که این عوامل را مانع اشتغال زنان معرفی می‌کنند هم‌راستا است.

مطابق یافته‌های پژوهش حاضر، «توانمندسازی مهارتی زنان»، «کارآفرینی و اشتغال دانش‌بنیان»، «پیوند آموزش، مهارت و بازار کار» و «حمایت‌های قانونی و نهادی» از مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر بر پدیده NEET هستند. این یافته با مطالعات یازالی^{۱۰} (2024) درباره ضرورت آموزش مهارت‌محور و نیز با نتایج پژوهش داس و همکاران^{۱۱} (2020) درباره نقش

¹ Kang & Youn

² Bongaarts et al.,

³ Alfieri et al.

⁴ Simões

⁵ Mihai & Nițu

⁶ Yazali

⁷ Doss et al.

برنامه‌های نوآورانه توانمندسازی جوانان همخوانی دارد. سیاست‌های حمایتی-اجتماعی از یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش علائی (1405) همسو است.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر دربارهٔ پیامدهای روانی و اجتماعی وضعیت NEET با پژوهش‌های بری و همکاران^۱ (2024)، کاراوغلان و همکاران^۲ (2023) و تنتون و همکاران^۳ (2021) همسو است. این مطالعات نشان داده‌اند وضعیت NEET می‌تواند با کاهش امید اجتماعی، افت سلامت روان، کاهش اعتمادبه‌نفس و انزوای اجتماعی همراه باشد. در مدل حاضر نیز پیامدهایی مانند کاهش عاملیت زنان، تضعیف سرمایهٔ انسانی و محدودشدن مشارکت اجتماعی مشاهده شد. بااین‌حال، پژوهش حاضر علاوه بر پیامدهای فردی، بر پیامدهای نهادی و توسعه‌ای پدیدهٔ NEET نیز تأکید کرده و نشان داده است که این وضعیت می‌تواند بر توسعهٔ اجتماعی و ظرفیت‌های انسانی جامعه نیز اثرگذار باشد.

در مطالعات داخلی نیز یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش هزارجریبی و سبحانی (1397) و میرفلاح نصیری، دلازیمی و طاهری‌پور (1398) همخوانی دارد که عوامل اقتصادی، آموزشی و ساختاری را در شکل‌گیری وضعیت NEET مؤثر دانسته‌اند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با مطالعهٔ زاهد و همکاران (1399) دربارهٔ تأثیر نابرابری جنسیتی بر توسعهٔ اقتصادی و اشتغال زنان همسو است. علاوه‌براین، یافته‌های مربوط به نقش ازدواج زود هنگام، محدودیت‌های فرهنگی و ناپایداری حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی با مطالعات علائی (1405) و کیانی و دهقان‌پور فراشاه (1405) همخوانی دارد.

مدل ارائه‌شده در این پژوهش با مطالعات پیشین در تأکید بر نقش شکاف آموزش و اشتغال، نابرابری‌های جنسیتی و ضعف گذار از آموزش به بازار کار همسو است (Quintini & Martin, 2014: 148; Danner et al., 2021: 851). اما تفاوت اصلی آن در ارائهٔ یک تبیین تلفیقی و سیاست‌محور از پدیدهٔ NEET در زنان است. برخلاف بخش عمدهٔ مطالعات پیشین، هریک فقط بر ابعاد اقتصادی، آموزشی یا اجتماعی تمرکز داشته‌اند، پژوهش حاضر تلاش کرده است روابط میان شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها را در قالب یک چارچوب سیاستی منسجم تبیین کند. همچنین برخلاف بسیاری از پژوهش‌های پیشین که زنان را به‌عنوان بخشی از جمعیت عمومی NEET بررسی کرده‌اند، این پژوهش بر تجربهٔ خاص زنان و نقش ساختارهای جنسیتی در بازتولید این وضعیت تمرکز دارد.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و تبیین یک مدل برای فهم پدیدهٔ NEET در زنان، تلاش کرد با بهره‌گیری از رویکردی نظام‌مند و سیاست‌محور، ابعاد، مؤلفه‌ها و سازوکارهای اثرگذار بر این پدیده را شناسایی و تحلیل کند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد NEET در میان زنان صرفاً حاصل ناکامی‌های فردی یا آموزشی نیست، بلکه پیامد برهم‌کنش پیچیده‌ای از شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گرهای سیاستی و راهبردهای نهادی در حوزهٔ آموزش، اشتغال و مهارت‌آموزی است.

تحلیل چارچوب سیاستی تدوین‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد شرایط علی نظیر ناهماهنگی آموزش با بازار کار، ضعف توسعهٔ مهارت‌های کاربردی و محدودیت‌های جنسیت‌محور، در بستری از نابرابری‌های منطقه‌ای، ضعف زیرساخت‌های آموزشی و هنجارهای جنسیتی، زمینهٔ بازتولید وضعیت NEET را فراهم می‌کنند. در این میان، شرایط مداخله‌گر مانند سیاست‌های آموزشی، حمایت‌های نهادی و برنامه‌های مهارت‌آموزی می‌توانند شدت و نحوهٔ اثرگذاری این عوامل را تعدیل کنند. مدل پژوهش همچنین نشان داد راهبردهایی نظیر بازطراحی مسیر گذار از آموزش به اشتغال، توسعهٔ الگوهای انعطاف‌پذیر یادگیری و اشتغال، تقویت شبکه‌های حرفه‌ای زنان، فعال‌سازی ظرفیت‌های بومی و منطقه‌ای و تقویت حکمرانی یکپارچه در حوزهٔ آموزش و اشتغال، مهم‌ترین پاسخ‌های سیاستی برای مدیریت این پدیده هستند. براساس این چارچوب، اجرای راهبردهای مذکور می‌تواند علاوه بر ارتقای سرمایهٔ انسانی و خودکارآمدی زنان، به بهبود وضعیت اشتغال، کاهش طرد

¹ Berry et al.

² Karaoglan et al.

³ Tanton et al.

اجتماعی، تقویت مشارکت اقتصادی و ارتقای عدالت جنسیتی منجر شود و در کاهش وضعیت NEET مؤثر باشد. اجرای این راهبردها نه تنها به بهبود وضعیت فردی زنان منجر می‌شود، بلکه پیامدهایی در دو سطح درون‌سیستمی (ارتقای سرمایه انسانی و کارآمدی نظام آموزش و مهارت) و برون‌سیستمی (افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی، کاهش نابرابری جنسیتی و تقویت توسعه پایدار) به همراه دارد.

درمجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد مواجهه مؤثر با پدیده NEET در زنان، مستلزم عبور از سیاست‌های بخشی و حرکت به سوی رویکردی یکپارچه، جنسیت‌حساس و مبتنی بر پیوند آموزش، مهارت و اشتغال است. از این منظر، مدل ارائه شده می‌تواند به عنوان چارچوبی تحلیلی برای سیاست‌گذاری در حوزه زنان، آموزش و مهارت‌آموزی مورد استفاده قرار گیرد و به سیاست‌گذاران و نهادهای اجرایی در جهت کاهش چرخه طرد و تقویت مسیرهای توانمندسازی زنان یاری رساند.

۷. پیشنهادها

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران با تقویت پیوند میان نظام آموزش، مهارت‌آموزی و بازار کار، مسیرهای گذار زنان از آموزش به اشتغال را بازطراحی کنند. توسعه آموزش‌های انعطاف‌پذیر، حمایت از کارآفرینی زنان، گسترش خدمات مشاوره شغلی و کاهش کلیشه‌های جنسیتی در نظام آموزشی و اشتغال، از مهم‌ترین اقدامات پیشنهادی برای کاهش وضعیت NEET در زنان است. همچنین ایجاد نظام حکمرانی یکپارچه میان نهادهای آموزشی، مهارتی و اشتغال می‌تواند از پراکندگی سیاست‌ها و بازتولید موانع ساختاری جلوگیری کند.

در سطح پژوهشی نیز انجام مطالعات ترکیبی و طولی برای بررسی مسیرهای ورود و خروج زنان از وضعیت NEET می‌تواند به فهم عمیق‌تر پویایی‌های این پدیده کمک کند. همچنین مقایسه تطبیقی سیاست‌های مرتبط با زنان NEET در کشورهای مختلف می‌تواند شواهد کاربردی‌تری برای طراحی سیاست‌های جنسیت‌حساس در ایران فراهم آورد.

۸. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Alaei, P. (2026). A qualitative study of the challenges of girls' attendance in schools with early marriage and its management. *Women in Development and Politics*, 24(1), 35–75. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2026.410349.1008602> (In Persian)
- Alfieri, S., Sironi, E., Marta, E., Rosina, A., & Marzana, D. (2015). Young Italian NEETs (Not in Employment, Education, or Training) and the influence of their family background. *Europe's Journal of Psychology*, 11(2), 311–322. <https://doi.org/10.5964/ejop.v11i2.901>
- Alonso, C. P., Martínez, A. I., & Sánchez, P. M. (2022). Barriers that keep vulnerable people as NEETs. *Social Sciences*. <https://doi.org/10.3390/socsci11060253>
- André, G., & Crosby, A. (2022). The “NEET” category from the perspective of inequalities: Toward a typology of school-to-work transitions among youth from lower class neighborhoods in the Brussels region (Belgium). *Journal of Youth Studies*, 26, 1387–1401. <https://doi.org/10.1080/13676261.2022.2098707>

- Berry, C., Fountain, J., Forbes, L., Bogen-Johnston, L., Thomson, A., Zylko, Y., Tunks, A., Hotham, S., & Michelson, D. (2024). Developing a hope-focused intervention to prevent mental health problems and improve social outcomes for young women who are not in education, employment, or training (NEET): A qualitative co-design study in deprived coastal communities in South-East England. *PLOS ONE*, 19. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0304470>
- Bongaarts, J., Blanc, A. K., & McCarthy, K. J. (2019). The links between women's employment and children at home: Variations in low- and middle-income countries by world region. *Population Studies*, 73(2), 149–163. <https://doi.org/10.1080/00324728.2019.1581896>
- Danner, M., Guégnard, C., & Maguire, S. (2021). Understanding economic inactivity and NEET status among young women in the UK and France. *Journal of Education and Work*, 34, 839–854. <https://doi.org/10.1080/13639080.2021.1997017>
- Deming, D., & Silliman, M. (2025). *Skills and human capital in the labor market*. National Bureau of Economic Research (NBER Working Paper No. 32908). <https://doi.org/10.3386/w32908>
- Doss, C., Heckert, J., Myers, E., Pereira, A., & Quisumbing, A. (2020). IFAD research series 44: Gender, rural youth and structural transformation: Evidence to inform innovative youth programming. *Agricultural & Natural Resource Economics eJournal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3520616>
- Elitaş, Z. (2025). Individual and family related determinants of NEET probability: An empirical study for Türkiye. *Anadolu Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi*, 26(1), 538–567. <https://doi.org/10.53443/anadoluibfd.1619992>
- Heckert, J., Pereira, A., Doss, C., Myers, E., & Quisumbing, A. (2020). Structural transformation and gendered transitions to adulthood among rural youth: Cross-national evidence from low- and middle-income countries. *The Journal of Development Studies*, 57, 614–634. <https://doi.org/10.1080/00220388.2020.1808196>
- Hezarjaribi, J., & Sobhani, M. (2018). The Study of “NEET” and its Components in Iran. *Social Welfare and Development Planning*, 9(35), 33–75. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2018.9310> (In Persian)
- Kang, C., & Youn, M. (2024). Bridging the gender gap in NEET risk: Institutional influences on NEET status in different age groups. *SAGE Open*, 14. <https://doi.org/10.1177/21582440241294126>
- Karaoğlu, D., Tat, P., & Begen, N. (2023). NEET status and mental health disorders: Evidence from a developing country. *World Journal of Applied Economics*, 9(2), 163–180. <https://doi.org/10.22440/wjae.9.2.4>
- Kiani, M., & Dehghanpour Farashah, A. (2026). Reasons for instability and single-term presence of women in Iran's city councils: A case study of Tehran province. *Women in Development and Politics*. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2026.412274.1008615> (In Persian)
- Maguire, S. (2015). Young people not in education, employment or training (NEET): Recent policy initiatives in England and their effects. *Research in Comparative and International Education*, 10(4), 525–536. <https://doi.org/10.1177/1475240915604048>
- Mihai, H., & Nițu, A. (2024). The youth not in education, employment, or training in Romania: A structural analysis. *Filosofija. Sociologija*, 35(4), 313–322. <https://doi.org/10.6001/fil-soc.2024.35.4.6>

- Mirfallah Nasiri, S. N., Delazimi, F., & Taheripour, H. (2019). The status of young people who are not in employment, education or training (NEET rate). *Iranian Journal of Official Statistics Studies*, 30(1), 155–172. <http://ijoss.srtc.ac.ir/article-1-326-en.html> (In Persian)
- Özdemir, M. O., Ozcan, K. M., & Üçdoğruk, Ş. (2023). Youth not in employment, education, or training (NEET) in Turkey: A regional analysis. *Ege Akademik Bakis (Ege Academic Review)*, 23(3), 409–426. <https://doi.org/10.21121/eab.1178984>
- Quintini, G., & Martin, S. (2014). *Same same but different: School-to-work transitions in emerging and advanced economies*, 154. <https://dx.doi.org/10.1787/5jzbb2t1rcwc-en>
- Ripamonti, E. (2025). School-to-work transition: Putting non-cognitive skills in context. The case of NEET and suggestions for policy. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 25(2), 335–356. <https://doi.org/10.1007/s10775-023-09635-6>
- Serracant, P. (2014). A brute indicator for a NEET case: Genesis and evolution of a problematic concept and results from an alternative indicator. *Social Indicators Research*, 117, 401–419. <https://doi.org/10.1007/s11205-013-0352-5>
- Seyed Noorani, S. M., Mohammadi, T., & Ezzat, H. A. (2024). Estimating the optimal unemployment rate in Iran with emphasis on inactive and non-student youth. *Stable Economy*, 5(3), 85–105. <https://doi.org/10.22111/sedj.2024.48555.1466> (In Persian)
- Silver, H. (2015). *The contexts of social inclusion*. Available at SSRN 2641272. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2641272>
- Simões, F. (2025). Rural NEETs school-to-work transitions: A conceptual model based on the psychology of working theory. *Journal of Adolescence*, 97(7), 1695–1709. <https://doi.org/10.1002/jad.12534>
- Tanton, C., McDonagh, L., Cabecinha, M., Clifton, S., Geary, R., Rait, G., Saunders, J., Cassell, J., Bonell, C., Mitchell, K., & Mercer, C. (2021). How does the sexual, physical and mental health of young adults not in education, employment or training (NEET) compare to workers and students? *MC Public Health*, 21. <https://doi.org/10.1186/s12889-021-10229-6>
- Yazali, J. (2024). Skill-oriented education for a liberalised economy: The case for India. *Journal Academic Marketing Mysticism Online (JAMMO)*, 15(54), 864–878.
- Zahed, Z., Nasrollahi Zadeh, M., & Mansour, M. (2020). From gender discrimination toward equality and economic growth (A study of developing countries). *Women in Development and Politics*, 18(4), 643–662. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.311205.1007897> (In Persian)
- Zanfrini, L., & Giuliani, C. (2023). “Look at me, but better”: The experience of young NEET migrant women between vulnerability and stifled ambitions. *Social Sciences*, 12(2), 1–17. <https://doi.org/10.3390/socsci12020110>